

ادامه از صفحه اول

اهداف گمشده اقتصاد ایران

اما پرسشی که باید امروز مطرح شود و کارشناسان و تصمیم‌سازان به آن پاسخ دهند، این است که آیا این شیوه نکرش به تولید، ما را در سطح جهانی رقابتی کرد؟ آیا مزیت‌های ما افزون‌تر از گذشته شده است؟ آیا برای مثال وجود ۱۴ واحد فعال به اصلاح تولید تراکتور و ۳۲ واحد در دست اجرا، توانست ما را در این عرصه رقابت‌پذیر کند؟ آیا قیمت‌هایمان رقابتی شده یا تولیداتمان جهانی؟ متأسفانه به استناد الگوهای آزادسازی اقتصادی و رقابت‌پذیرکردن تولید، رقابت مخرب شکل گرفت و تفکر تولید در مقیاس اقتصادی از بین رفت. آیا در همان کشورهای بانی به‌اصطلاح اقتصاد بازار، مقیاس تولید معنا و مفهومی ندارد؟ پس این‌همه قوانین حقوق مالکیت فکری و تولیدی برای چه به وجود آمده و در آن کشورها عملیاتی می‌شود؟!

۴- ما نمی‌گوییم اقتصاد را دولتی و همه‌چیز را قیمت‌گذاری کنید. ما می‌گوییم اولویت‌ها را شناسایی و بخش‌های مولد را از نامولد تفکیک کنید و به نسبت اهمیتی که هریک از بخش‌های اقتصادی در راستای تحقق اهداف ملی دارند، بها دهید. ما می‌گوییم ارزش افزوده‌ای که از تجارت افزوده‌ای داخلی حاصل می‌شود، متفاوت از ارزش افزوده‌ای است که از تجارت کالاهای خارجی حاصل می‌شود، برای این تفاوت‌ها ارزش قائل شده و هر دو به یک چشم دیده نشود. خبرگان جامعه باید در این زمینه‌ها اعلام نظر کنند و سیاست‌بازان کارها را به کارشناسان و اهل کار واگذار کنند یا آنکه حداقل دنباله‌رو نظرات کارشناسانه درست باشند.

۵- رهبری انقلاب سال‌های متمادی است که اشاره به تولید و تولیدمحوری دارند. حال متولیان امور رسماً اعلام کنند برای این تولیدمحوری و ایجاد فرهنگ حمایت از تولید چه کرده‌اند؟ آیا جز این‌ بوده که در شرایط رکود و تحریم، عمده اعتبارات به بخش‌های نامولد اقتصاد تخصیص داده شد؟ امروز در کشور ضعف اقتصاد تولیدمحور و ضعف فرهنگ مصرف کالاهای داخلی وجود دارد. ما در تعریف کارآفرین و فراهم‌سازی محیط کسب‌وکار و مهم‌تر از آن فضای خلاقیت و نوآوری دچار مشکل هستیم. برای اینها باید راهکار ارائه داد، نه اینکه تمام هم‌وغم ما تغییرات نرخ ارز باشد که نه‌تنها جامعه را به بی‌قاعدگی دچار کرده؛ بلکه در طول سال‌ها تولید را زمین‌گیر کرده و اثرات همین تصمیم‌گیری‌های ناپخته، سال‌های بعد به وضوح خود را نشان داده و همچنان نشان خواهد داد.

۶- از نمونه‌های روشن، طرح بنگاه‌های زودبازده و طرح‌های ضررتی اشتغال در کشور بوده که عملاً بسیاری از بی‌کاران را به بی‌کاران بدهکار تبدیل کرده است. علت این امر، نبود استراتژی و برنامه مدون توسعه صنعتی است. اگرچه در وادی نخست باید بنذیریم مالکیت و مدیریت ناکارآمد دولت در پاره‌ای از موارد در شرکت‌های بزرگ در اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته عملکرد مؤثری را بازتاب نداده‌اند. ازاین‌رو چندان مورد تأیید نیستند. کافی است دراین‌باره مثلاً به بنگاهداری دولت چین در امر تولید محصولاتسی که در کشورمان شاهد هستیم، نظری بیندازیم تا مصادیق روشن شود. خصوصی‌سازی نیز نتوانست گرهی از مشکلات مرتبط با این وضعیت باز کند و به‌شدت از اهداف خود منحرف شد. همچنین باید به این نکته اشاره شود که به نظر می‌رسد «تفکر کوچک زیباست» و رقابت با این رویکرد که الی ماشاء...

مجوز تأسیس به واحدهای کوچک تولیدی و صنعتی اعطا شود، اقتصاد کشور را به سمت کژتول‌پروری و کلیایی در مجلس شورای اسلامی داده و ایجاد می‌کند و منجر به ازبین‌رفتن مقیاس بهینه تولید اقتصادی می‌شود؛ بنابراین این تفکر نیز نمی‌تواند به‌عنوان راهکار و برنامه تولید مدنظر باشد. درحال‌حاضر برای خارج‌شدن از شرایط تحریمی، لازم است از سوی قوه عاقله‌ای، با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ارزشمند در دسترس در کشورمان، هماهنگی بیشتری بین واحدهای تولیدی بزرگ با واحدهای تولیدی متوسط برقرار شود. البته یادآوری می‌کنیم که این به آن معنا نیست که ظرفیت پیمانکاری شرکت‌های بزرگ را بین تعداد زیادی از شرکت‌های متوسط و کوچک تقسیم کرده و به نوعی فریب‌کارانه همه را مشغول نگه داریم، بلکه باید مقیاس اقتصادی رعایت شود. در این زمینه باید زنجیره‌های پسین و پیشین واحدهای تولیدی بزرگ کنترل شود تا از ظرفیت‌های داخلی که کارآمدی بالاتری دارند، حداکثر بهره‌برداری صورت پذیرد. قرارداد بین شرکت‌های بزرگ و متوسط بر مبنای منافع ملی بلندمدت ترسیم و تدوین شود تا امر تحقیق و توسعه را در واحدهای متوسط امکان‌پذیر کند. اما آنچه در این میان لازم است به‌دقت کنترل و تدوین شود، مسئله علاقتی فرایندی است. از سوی دیگر، ارتباط دولت و شرکت‌های دولتی با سایر فعالان اقتصادی باید سازمان‌یافته و مبتنی بر ضوابط باشد نه روابط سازمانی یا نهادی. آنچه به عقلانیت فرایندی خدشه وارد می‌کند، فقط کمبود اطلاعات نیست، بلکه منافع گروه‌های خاص و نفوذ آنها بر تصمیم‌گیری‌های دولت است که می‌تواند به انحراف سیاست‌ها بینجامد.

ادامه در صفحه ۱۳

شرق: تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران بار دیگر از سر گرفته شده است. این کشور به صورت یک‌جانبه از برجام خارج شد و حالا تحریم‌های آمریکا بسیاری از شرکای تجاری ایران را به وحشت انداخته است؛ زیرا تداوم فعالیت اقتصادی با ایران به مفهوم پرداخت جریمه‌های سنگین به آمریکا خواهد بود. به‌همین‌دلیل بسیاری از کشورها، که با ایران تبادل تجاری دارند، در تلاش‌اند تا آمریکا را متقاعد کنند که برای آنها معافیت‌هایی را در نظر بگیرد.

یکی از این کشورها، عراق است که برق و گاز از ایران وارد می‌کند و به گفته منابع خبری، بعد از یک معافیت ۴۵روزه، توانسته است معافیت ۹۰روزه دیگری از آمریکا بگیرد.
کمیل طیبی، کارشناس انرژی، بر این باور است که این معافیت‌ها در فرایند تحریم‌ها و گسترده‌ترکردن تحریم‌ها علیه

ایران است که به طور سیستماتیک در دستگاه تصمیم‌گیری آمریکایی‌ها پیش می‌رود. به گفته او بخشی از معافیت‌ها به دلیل دیپلماسی اقتصادی و سیاسی عراق شکل گرفته است؛ اما در درازمدت، آمریکا با ایجاد شکاف در بازارهای استراتژیک ایران، می‌تواند این بازارها را محدود کند. البته پیام باقری، نایب‌رئیس کمیسیون انرژی اتاق، نیز بر این باور است که اگر ایران درست عمل کرده و به نحو مناسبی بازار برق خود با کشورهای همسایه را توسعه دهد، اثر تحریم‌ها بر این بازار کمتر خواهد شد. تحریم‌هایی که آمریکا با پشت‌پازدن به برجام که تعهدی بین‌المللی است، آغاز کرده است، هر روز مشمول معافیت‌هایی می‌شود. برخی کشورها توانسته‌اند خود را از شمول مجازات‌های آمریکا در صورت تجارت با ایران خارج کنند. آخرین معافیت صادرشده، معافیت ۹۰روزه‌ای است که عراق برای واردات برق و گاز از ایران دریافت کرده است. آن‌طور که ایسنا به نقل از پلتاس گزارش کرده است، مقامات آگاه به این رسانه خبر داده‌اند که عراق با معافیتی که روز چهارشنبه گذشته از آمریکا دریافت کرد، می‌تواند به واردات برق و گاز از ایران ادامه دهد. براساس این گزارش، هم‌زمان با منقضی‌شدن معافیت ۴۵روزه، واشنگتن به عراق یک معافیت ۹۰روزه برای واردات برق و گاز از ایران داده است.

این اقدام به عراق فرصت می‌دهد راه‌هایی برای پرداخت پول واردات از ایران بدون استفاده از دلار آمریکا پیدا کند. واردات از ایران حدود ۳۰ درصد از ۱۴ هزار مگاوات مصرف روزانه برق عراق را تأمین می‌کند و کاهش این میزان عرضه، تأثیر مخربی روی اقتصاد عراق خواهد داشت. پیش‌ازاین عراق به دلیل ناتوانی خود برای تولید برق کافی، از آمریکا معافیتی ۴۵روزه برای ادامه تجارت با ایران دریافت کرده بود. هشت کشور دیگر نظیر چین، هند و ژاپن

نیز از آمریکا معافیتی شش‌ماهه برای کاهش واردات خود دریافت کرده بودند.

آمریکانگران گسترش بازارهای ایران

از شواهد امر چنین برمی‌آید که اگرچه تحریم‌های آمریکا بر بازار انرژی ایران تأثیرگذار است؛ اما این کشور نمی‌تواند یکباره ایران را از بازار انرژی جهان حذف کند. حال این پرسشی اصلی مطرح است که آمریکا از اعمال برخی معافیت‌ها برای شرکای تجاری ایران دنبال چه منافعی است.

کمیل طیبی، کارشناس انرژی، در گفت‌وگو با «شرق» عراق را کشور همجوار ایران معرفی می‌کند که کمک‌های زیادی از کشورمان دریافت می‌کند. او می‌گوید: اعمال معافیت برای عراق نشان‌دهنده این مطلب است که آمریکا درباره شرایط کنونی و اینکه ایران بتواند بازار گسترده‌تری برای انرژی خود حتی در آینده به دست بیاورد، نگران است. طیبی اضافه می‌کند:

این مهلت‌دادن نوعی محدودیت است تا آمریکا بتواند شرایط و سیاست‌های خود را هماهنگ کند تا محدودیت‌های دیگری برای بازار صادرات ایران به وجود بیاورد. در واقع با این سیاست‌ها بیشتر این مسئله دنبال می‌شود. او ادامه می‌دهد: از یک جهت دیگر هم می‌توان گفت اعمال این معافیت‌ها حاصل چانه‌زنی مسئولان عراق با آمریکایی‌هاست. این کشور دنبال دریافت مهلت بیشتری از آمریکاست؛ زیرا مسئولان عراقی می‌دانند محدودشدن بازار ایران روی آنها،

اقتصاد

صادرات برق و گاز ایران به عراق تا ۹۰ روز دیگر مشمول تحریم‌های آمریکا نخواهد شد

ایجاد محدودیت استراتژیک برای بازار انرژی ایران



نمای کلی

چه مشکلاتی می‌تواند به وجود آورد. این کارشناس انرژی می‌گوید: کشور عراق یک دیپلماسی سیاسی و اقتصادی را پیش می‌برد. عراق یک بازار هدف صادراتی برای ایران است و این اعمال محدودیت‌های آمریکا، می‌تواند ایران را از رسیدن به این بازار هدف دورتر کند. این رفتار در فرایند تحریم‌ها و گسترده‌ترکردن آنها مدنظر طرف آمریکایی است که به‌طور سیستماتیک در دستگاه تصمیم‌گیری این کشور پیگیری می‌شود.

او به این پرسش که اگر آمریکا به صورت مقطعی معافیتی برای تجارت با ایران در نظر بگیرد و مشکلاتی مقطعی را برای ایران ایجاد کند، آیا در آینده می‌تواند در مسیر صادرات سد ایجاد کند، این‌گونه پاسخ می‌دهد: آمریکا می‌تواند در بازار ایران شکاف به‌وجود آورد. تجارت با عراق یک جنبه استراتژیک دارد. تداوم در تجارت استراتژیک‌ها مهمی است. هرچه تجارت پایدارتر باشد، به سمت تجارت استراتژیک پیش می‌رویم. ایران

تأمین‌کننده کالاهای و خدمات ضروری برای عراق است، بنابراین تجارت بین دو کشور در چارچوب تجارت استراتژیک می‌گنجد؛ اما ایجاد وقفه و شکاف در تعاملات تجاری، ایران را از بازار هدف دور می‌کند.

افزایش توان چانه‌زنی در عرصه بین‌الملل

تداوم صادرات برق ایران به عراق حتی به مدت ۹۰ روز، نوعی منافع هم برای کشور ایجاد می‌کند. پیام باقری، نایب‌رئیس سندیکای صنعت برق، در گفت‌وگو با «شرق» صادرات انرژی از ایران

به کشورهای منطقه را یکی از مزیت‌های اصلی کشور اعلام می‌کند که در توان چانه‌زنی کشور در محافل بین‌المللی اثرگذار است.

او می‌گوید: این مزیت برگرفته از قابلیت‌های کشور و موقعیت جغرافیایی مناسب ایران و همچنین توانمندی صنعت برق است. به گفته نایب‌رئیس سندیکای صنعت برق، صادرات این حامل انرژی به کشورهای منطقه، جزء تکالیف قانونی است و حتی در سند برنامه ششم توسعه نیز دولت مکلف شده است به صادرات برق توجه کند.

او تأکید می‌کند: صادرات برق فرصت‌های مختلفی برای کشور ایجاد می‌کند و در اینجا می‌توانیم از آثار این فرصت‌ها در موضوع تحریم‌ها استفاده کنیم.

باقری یادآور می‌شود: اگر در

گذشته از این فرصت‌ها استفاده کرده و همسایگان را به‌طور جدی به انرژی برق ایران وابسته می‌کردیم، امروز به نتایج بهتری دست می‌یافتیم. ایران در تمام مرزهای خاکی با کشورهای همسایه تبادل انرژی دارد؛ اما چون این تبادل انرژی محدود است، همسایگان ما در حال جایگزین‌کردن ایران هستند؛ مثلاً افغانستان و پاکستان تلاش می‌کنند انرژی مورد نیاز خود را از ترکمنستان یا قرقیزستان دریافت کنند. او بیان می‌کند: ایران سال‌هاست بیش از هزار مگاوات انرژی به عراق صادر می‌کند. رفع این وابستگی سخت است و به‌سرعت قابل جایگزین‌شدن نخواهد بود. به همین دلیل، عراقی‌ها دنبال این هستند که فرصت معافیت از تحریم را تمدید کنند تا برای رفع نیازهای خود به فکر چاره‌ای باشند.

نایب‌رئیس سندیکای برق می‌گوید: جایگزین‌کردن هزار مگاوات برق دریافتی عراق از ایران کار راحتی نیست و نیاز به ایجاد زیرساخت‌های لازم دارد. به اعتقاد او، صادرات برق یکی از مسائلی است که می‌تواند ایران را در مقابله با تحریم‌ها توانمند کند. با صادرات برق، علاوه بر مقابله با تحریم‌ها، قدرت چانه‌زنی کشور در عرصه بین‌الملل نیز افزایش می‌یابد.

به گفته باقری، آمریکا درباره سایر حامل‌های انرژی مانند نفت نیز ناگزیر شده است معافیت‌هایی را برای ایران به وجود آورد. عراق هم به دلیل نیاز بسیار بزرگی که به برق ایران دارد، دنبال زمان خریدن است؛ بنابراین یکی از سیاست‌هایی که امروز باید در کشور اتخاذ کنیم، توسعه صادرات برق به کشور عراق و کشورهای هم‌جوار است؛ زیرا علاوه‌بر اینکه به لحاظ اقتصادی برای کشور مواهی دارد، به لحاظ امنیتی و سیاسی نیز در جایگاه کشور در جامعه بین‌الملل اثرگذار خواهد بود.

یادداشت

منافع ملی در اولویت بوده قرار گیرد

دکتر نرسی قربان
اقتصاددان و عضو انجمن اقتصاد انرژی

● منبع درآمد اصلی در بودجه کشور، نفت است و اکنون پیش‌بینی قیمت نفت حتی در آینده نزدیک به‌شدت مشکل شده است و کارشناسان دراین‌باره نظرات متفاوتی دارند. درهرحال دولت باید در بودجه سال آینده برای نفت قیمتی را پیش‌بینی کند و با درنظرگرفتن آن قیمت و بر مبنای آن، بودجه سال آینده کشور را تعیین کند. قیمتی که اکنون برای درآمدهای حاصل از نفت در بودجه پیش‌بینی شده است، تقریباً ۵۴ دلار است که به نظر تعیین قیمت محتاطانه و تصمیمی درست به نظر می‌رسد. این احتمال وجود دارد که در سال آینده، قیمت نفت بین ۶۰ تا ۷۰ دلار در هر بشکه باشد و پیش‌بینی اکثر کارشناسان نیز همین امر است. به‌همین‌دلیل اگر بودجه سال آینده با قیمت هر بشکه نفت ۵۴ دلار بسته شود، خطر و شرایط بحرانی، اقتصاد کشور را تهدید نخواهد کرد و این احتمال وجود دارد که با کمبود بودجه شدید مواجه نشویم. تصمیم اوپک در اجلاس اخیر این بود که عرضه نفت در بازارهای جهانی بالاست و باید این میزان ثابت شود؛ ولی ایران، لیسی و ونزوئلا از این تصمیم منع شدند که یک امتیاز مهم برای ایران در مقایسه با سایر کشورها محسوب می‌شود؛ اما در شرایط فعلی تنها مسئله مورد توجه قیمت نفت نیست؛ بلکه به‌دست‌آوردن پول فروش نفت بسیار مهتر از قیمت نفت است. اگر با مکانیسمی که اروپایی‌ها درباره آن صحبت می‌کنند، توانیم پول نفت را در بازار جهانی به دست بیاوریم؛ پس‌ازآن مشکلاتی به وجود خواهد آمد که به قیمت نفت مربوط نخواهد شد؛ بلکه مسئله این است که دارایی‌ای وجود دارد که امکان دستیابی به آن نیست و معنای ساده‌اش این است که این احتمال وجود دارد که بتوانیم نفت را بفروش برسانیم؛ اما پول آن را به دست نیاوریم. در شرایطی که ممکن است کشور با چالش‌های پیش‌بینی‌نشده مواجه شود، نگاه ملی در تصمیم‌گیری درباره بودجه اهمیت پیدا می‌کند. بدون‌شک در همه مواقع، نگاه ملی به تصویب بودجه باید در اولویت نمایندگان مجلس و دولت قرار بگیرد و شکی در آن نیست که باید به تصویب بودجه نگاه ملی داشت؛ اما امری که نگاه ملی را از اولویت معمول به اولویت اصلی می‌رساند، این است که کشور ما اکنون در شرایط تحریم قرار دارد و مشخص نیست که تحریم‌های واردشده به کشور تا چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد. ایران اکنون از جانب کشورهای متعددی که عمده آن ایالات متحده آمریکا، عربستان و رژیم غاصب اسرائیل است، تحت فشار قرار گرفته است که در این شرایط، تحریم‌ها و زمینه‌های مختلف ازجمله انرژی و بازارهای مالی و پولی به کشور فشار وارد می‌کند. از سویی تصمیم اخیر اوپک مبنی بر کاهش میزان تولید نفت از سوی اعضا به جز ایران، لیبی و ونزوئلا یک شکست بزرگ برای عربستان محسوب می‌شود. در چنین شرایطی باید عوامل و منافع ملی را در اولویت تعیین و تصویب بودجه قرار داد و نمایندگان باید ضرورت تحریم ملی را در تصویب بودجه درک کنند. گروه‌هایی که پیش‌ازاین بودجه‌ای را برای حوزه انتخابیه خود در نظر داشته‌اند و اکنون فشار می‌آورند که این بودجه نباید کاهش پیدا کند، باید تغییر رویه دهند و مسائلی را که در اولویت نیستند، در تصویب بودجه حذف کنند. باید منابع اصلی تعیین‌شده در بودجه در مواردی تزییق شود که رفاه مردم را تأمین کند.

خبر ویژه

ضرورت اعطای وام به بانوان برای کارآفرینی

● «سی‌ونهمین جلسه کمیسیون توسعه بازرگانی بنیاد امید ایرانیان» با موضوع «راهکارهای بهینه‌سازی عملکرد زنان کارآفرین در راستای رشد و توسعه اقتصادی کشور و حذف فقرشنه‌های شیشه‌ای از افق عملکرد بانوان کارآفرین» برگزار شد. در این نشست بر ضرورت اعطای وام به بانوان به منظور کارآفرینی تأکید شد. در این نشست، محمدمصدق مشایخ گفت: با توجه به اهمیت ویژه توسعه کارآفرینی در کشور و نقش تعیین‌کننده بانوان در این حوزه، بر آن شدیم تا با ارائه راهکارهای تخصصی عملکرد بانوان را در توسعه کارآفرینی و همچنین رشد اقتصادی کشور، بهینه‌سازی کنیم. لازمه این اقدام حذف سقچهای شیشه‌ای از مسیر پیشرفت بانوان در راستای ارتقای جایگاه مدیریتی و توسعه اقتصادی آنان است. رئیس کمیسیون توسعه بازرگانی بنیاد امید ایرانیان افزود: سرمایه‌گذاری برای حمایت از بانوان کارآفرین و اعطای وام کارآفرینی به آنان به عنوان مشوق‌های حمایتی الزامی است. البته در این مسیر، بانوان باید با تلاش هدفمند و استفاده از ابتکار و نوآوری، تحول در حوزه کارآفرینی را ایجاد کنند. همچنین فراننه مافی بیان کرد، ظرفیت‌سازی برای ایجاد کسب‌وکارهای اجتماعی به‌ویژه در حوزه روستایی از اهمیت بسزایی برخوردار است. لازم است در بخش کارآفرینی بانوان، تسهیل‌گری کارآفرینی و اشتغال‌زایی نیز صورت پذیرد. عضو حزب کارگزاران سازندگی افزود: به کارشناسان صف و ستاد حوزه بانوان کارآفرین باید آموزش‌های ویژه داده شود.

حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت واگذار کرده است که به ترتیب ۱۹ و ۳۹ درصد از واگذاری‌های دولت در این دو سال بوده‌اند. البته واگذاری سهام و دارایی‌های دولتی بابت رد دیون در سال‌های ۹۶ و ۹۷ انجام نشده است و البته حجم واگذاری‌ها در این دو سال نیز بسیار کمتر از سال‌های پیشین بوده است و درحالی‌که به جز رد دیون، دولت در سال ۹۴ و ۹۵ به ترتیب سه‌هزارو شش و سه‌هزارو ۳۴ میلیارد تومان از دارایی‌های خود را به بخش خصوصی واگذار کرده در سال ۹۶ و ۹۷ حجم واگذاری‌ها به ترتیب به هزارو ۹۴۰ و دوهزارو ۱۷۱ میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است که کمترین میزان واگذاری‌ها در ۱۲ سال گذشته‌اند.					
چه خواهد شد؟					
فارغ از آنکه پوری‌حسینی در سازمان خصوصی‌سازی بماند یا مدیر جدیدی به این سازمان بیاید، درحال‌حاضر درستی واگذاری بنگاه‌های دولتی به شیوه کنونی از نظر بسیاری از کارشناسان زیر سؤال رفته است و برخی از آنان نیز در سخنرانی‌های اخیر خود از دولت خواسته‌اند این فرایند را متوقف کند؛ فرایندی که نه تنها شفافیت ندارد، بلکه در عمل بسیاری از بنگاه‌های تولیدی مهم کشور را به محاق نابودی کشانده است و پدیده‌های نامناسبی را به بار آورده است. این همان نکته‌ای است که مالکی، رئیس اسبق ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در گفت‌وگو با					
تسلیم به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: برنگردن نقش مردم در اقتصاد کشور است که باعث درگیرشدن آنها با این موضوع می‌شود و این درگیری فرهنگ را به وجود می‌آورد.					

پوری‌حسینی و پیش‌ازآن رخ داده است، جرقه بسیاری از اعتراضات کارگری سال‌های اخیر را زده‌اند و هریک جنباهی مجزا خلق کرده‌اند. اگر واگذاری شرکت مخابرات در دولت احمدی‌نژاد جنباهی‌ترین واگذاری سازمان خصوصی‌سازی در آن دوران بود، انتخاب جنباهی‌ترین واگذاری دوران مدیریت پوری‌حسینی کمی سخت است. واگذاری شرکت کشت‌و‌صنعت مغان یکی از این پرونده‌هاست که هنوز هم با واکنش‌های متعدد نمایندگان مجلس و مسئولان دولت به روز می‌شود. واگذاری دوباره شرکت هیکو که اولین بار در دولت احمدی‌نژاد خصوصی‌سازی شده بود، دیگر پرونده جنباهی سازمان خصوصی‌سازی در دوران مدیریت پوری‌حسینی است که سرانجام با انسداد ریل راه‌آهن توسط کارگران این کارخانه و انباشت بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان بدهی مالک خصوصی شرکت به دولتی‌شدن دوباره هیکو منجر شد. کارگران شرکت کشت‌و‌صنعت نیشکر هفت‌تپه اما به خوش‌شانسی کارگران هیکو نبودند و اگرچه تجمع ۳۰روزه این کارگران در شهر شوش مهم‌ترین اعتراض کارگری سال ۹۷ بود اما در نهایت سازمان خصوصی‌سازی حاضر نشد از واگذاری این شرکت به یکی از فعالان بخش خصوصی برائت بجوید. مالکی که به گفته محسنی‌از‌های، سخنگوی دستگاه قضا، هم‌اکنون متواری است. در کنار شرکت‌هایی که واگذاری آنها

از سوی دیگر درحالی‌که پوری‌حسینی اردیبهشت امسال در گفت‌وگو با «رادیو گفت‌وگو» ادعا کرده این سازمان واگذاری‌ای بابت رد دیون نداشته است، بررسی آمارهای واگذاری دوران مدیریت او نشان از حقیقت دیگری دارد. پوری‌حسینی در آن مصاحبه ادعا کرده بود: یکی از دلایل افت واگذاری‌ها به‌لحاظ رقم و عدد از پایه یعنی اینکه ما چه مقدار واگذار کرده‌ایم برای این است که ما دیگر رد دیون نداریم و همه واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقتی بوده است. آمارهای واگذاری سهام و دارایی بنگاه‌های مشمول واگذاری اما نشان می‌دهد که این سازمان در سال‌۹۴ و ۹۵ به ترتیب ۷۲۷ و ۱۹۰۳ میلیارد تومان از سهام یا دارایی‌های دولتی را به اشخاص

واگذاری‌های صورت‌گرفته در دوران مدیریت پوری‌حسینی (میلیارد تومان)					
واگذاری/ سال	۱۳۹۲*	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
اختصاص منابع حاصل از فروش به ردآمد عمومی کشور	۲۳۷۰۵۳	۴۹۶۹۶	۳۰۰۵۷	۳۰۴۳۵	۱۹۴۰۴
اختصاص منابع حاصل از فروش به‌ذی‌نفعان (طلبکاران از دولت و سایر افراد)	۴۷۱۶	—	—	—	—
انتقال سهام یا دارایی به اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت	۱۳۴۹۶	—	۷۲۷	۱۹۰۳	—
انتقال مستقیم سهام یا دارایی بابت سهام عدالت	۲۱۴۳۳	۲۵۷	—	—	—
جمع	۴۴۰۶۰	۵۱۲۲۷	۳۷۳۳۴	۴۹۳۸	۱۹۴۰
<i>* بخش عمده واگذاری‌های این سال از سوی دولت احمدی‌نژاد انجام شده است</i>					